

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

۱۰/۱۲/۱۳

## در ارتباط با صحبت تلویزیونی استاد هاشمیان

هر چند خوشبختانه کمتر وقت اضافی دارم تا با مراجعه به برنامه های تکراری به اصطلاح تلویزیون های افغانی رنج تحمل هرزه گی لیبرالی را بر خود هموار سازم و در نتیجه کمتر به آنها مراجعه می نمایم مگر وقتی اعلان صحبت جناب داکتر صاحب "هاشمیان" را در پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" خواندم، امید شنیدن یک صحبت خوب و آموزنده و اهمیت موضوع مورد بحث و ادارم ساخت تا من هم به مانند میلیونها افغان دیگر مقابل شیشه جادوی علاءالدین بنشینم. و خوشحالم از این که چنان کردم چه از صحبت های آموزنده جناب داکتر صاحب برخی از بینندگان آن صحبت مطالبی آموختم که ارزش آنها به مراتب بیش از آن دو ساعت بود.

در ختم صحبت و قتی خواستم به مانند سایر بینندگان، ضمن عرض ادب خدمت استاد، بر برخی از نکته نظرات خویش نیز اشاره هائی نمایم، با تأسف هر دو بار فقط تلفون من قطع شد. از آن جاییکه جناب داکتر صاحب نیز از این قطع راضی نبودند، و چنین مشکلی برای هیچ یک از شرکت کنندگان دیگر هم رخ نداد لذا می توان حدس زد که آقای خطاب یا خود نخواستند، صدای این قلم از رادیوی شان بلند شود و یا اینکه همکاران تخنیکی شان از اراده ایشان اطلاع دارند.

در هر صورت از طرف من هم می توانند این پاسخ را داشته باشند که هرگاه پای جناب داکتر صاحب و آن دو ساعتی که ایشان پول آن را پرداخت نموده بودند در میان نباشد می توانند مطمئن باشند که هیچ گاهی به تریبونهای از قماش تلویزیون ایشان مراجعه نخواهم کرد. این را خودشان از زمانی که رادیو داشتند می دانند و فکر می کنم محتاج توضیح مجدد نیست. اینک فشرده نکاتی که می خواستم از طریق تلویزیون خدمت بینندگان تقدیم نمایم: نخست از همه باید سپاس خویش را به خاطر مطالب بکری که داکتر صاحب در زمینه ابراز داشتند، خدمت شان عرض نمایم.

دومین نکته عرض ادب خدمت آن بیندگانی بود که شریفانه و شجاعانه بحث افغانستان اشغالی و موجودیت قوای اشغالگر را مطرح نمودند- نباید فراموش نمود که شخص استاد نیز بار بار به مستعمره بودن افغانستان اشاره هائی داشتند- وقتی این بحث را با سالیان قبل مقایسه می نمایم و به خاطر می آورم که حتا برخی ها طاقت شنیدن طرح

وضعیت اشغالی افغانستان را نداشتند و به صورت احتجاج محافل سخنرانی را ترک می نمودند - در زمان صحبت خودم چند بار اتفاق افتاده است- و این تکامل را با ارسال تبریک از جانب یک تن از بزرگان مبارز کشور به استقامت پورتال به خاطر "جا انداختن مفهوم اشغال" سر هم می گذارم، صرف نظر از احساس سرور و شادمانی و ایقان کامل به درستی راه پورتال، وظیفه بزرگ دیگری در جلو رویم به مثابه یک تن از متصدیان پورتال عرض اندام می نماید. وظیفه اجتناب از در جازدگی به همین مرحله، وظیفه چگونگی مبارزه به خاطر ختم اشغال، وظیفه تمام این افکار را که به صورت پراکنده در حکم همان شبی است که با گرم شدن روز می خشکد به چنان سیلی مبدل ساختن که تا آزادی کامل افغانستان و انسان در بند آن هر آنچه مانع و رادع بیند از راه برداشته انسان درمند افغانستان را به آزادی و رفاه و حیات انسانی برساند.

نکته دیگر، بر می گردد به انتقادات شان علیه آقای داکتر "فرید یونس". هر چند شناخت زیادی از آقای "یونس" ندارم و صرف یکی دوبار و آنهم بر حسب تصادف برخی صحبت های شان را شنیده ام، با آنهم برداشت از همان صحبت های پراکنده و آنچه سایر بینندگان از ایشان نقل قول می نمایند، به انسان حق می دهد تا انتقادات جناب داکتر صاحب "هاشمیان" را در مورد ایشان جدی دانسته و به آقای داکتر صاحب "فرید یونس" صمیمانه ابراز داشت:

**در جهان هیچ کسی وجود ندارد که همه چیز را بداند. ما باید بپذیریم که همه چیز را فقط همه کس می داند. بنائاً** نباید هر لحظه و در هر مورد چلینج داد و همه را به مبارزه طلبید، چه این امکان وجود دارد کسانی پیدا شوند که به گفته مردم کابل "قل هو الله" را بالای انسان سر چپه خوانده و همان سرچپه را به اثبات هم برساند. و یا به گفته شاعر:

### **هر پیسه گمان مبر که خالیست      شاید که پلنگی خفته باشد**

و اما به ارتباط مسأله خط فرضی دیورند و باشندگان آن طرف مرز باید گفت: از آنجائیکه ما خود اکنون بیش از ۳۰ سال است که بنا بر تجاوزات اجنبی و حاکمیت های جبارانه احزاب وابسته و مزدور به مانند اسپندی در مجمری از آتش می سوزیم، لذا باید بیشتر از سایر مردمان جهان به درد فقدان آزادی و دموکراسی آشنا نیز باشیم.

گذشته از آن برای کسانی که خود برای آزادی می رزمند هیچ چیزی نمی تواند زشت تر از آن باشد که همان حق را برای دیگران نیز نخواهند. به نظر این قلم صداقت ما را در دفاع از آزادی و دموکراسی می توان با محک قایل شدن عین حق به دیگران نیز محک زد.

همچنین وقتی ما خود، همیشه از آن شکایت داریم که در نبرد با غول های قرن همیشه ما تنها به میدان رزم پا گذاشته ایم و از برخورد همسایه های دور و نزدیک زبان به انتقاد کشوده ایم، سزاوار نیست وقتی در همسایگی ما، یک ملیت سرکوب می گردد، دم فرو بندیم و صدائی به حمایت از آنها بلند ننمائیم؛ به خصوص وقتی آن ملیت در روز بد صمیمانه در کنار ما ایستاده شده و از هیچ نوع کمکی دریغ نورزیده باشند.

بر مبنای همین دلایل و ده ها دلیل دیگر می توان به جرأت ابراز داشت که در حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم پشتون در ورای دیورند نباید یک لحظه تأمل نمود.

این حمایت باید به اساس احترام و به رسمیت شناختن "حق ملل در تعیین سرنوشت شان" استوار بوده و بدون کدام آزمندی و طمع عظمت طلبانه بنا یافته باشد. بدان معنی که در همه حالت اراده مردمان آن طرف خط دیورند- می نویسم مردم نه چند خان خابن و یا چند ملای بی وطن- را محترم شمرده و به پشتیبانی از همان اراده اقدام ورزید. یا به عبارت دیگر از هر ۳ بدیل ممکن (۱) استقلال و تشکیل یک دولت مستقل، (۲) رسیدن به حقوق و آزادی های

دموکراتیک و مساوی با سایر ملیت ها در چوکات پاکستان و ۳) ادغام به افغانستان و برداشتن میراث خاینانه امیر عبدالرحمن " پشٹیانی نموده لحظه آنها را تنها نگذاشت. این وظیفه ایست انسانی که تاریخ بر دوش ما گذاشته است.